

## بررسی تاکتیک‌های فریب در عملیات والفجر ۸

### صادق بهرامیان

کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی،  
تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
S63.bahramiyan@gmail.com

### محسن بهشتی سرشت

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران  
mbeheshtiseresht@yahoo.com

**چکیده:** در جریان دفاع مقدس نیروهای ایرانی با هدف رسیدن به مواضع مستحکم دفاعی، جلوگیری از تکرار تهاجم، تنبیه متجاوز و گرفتن یک امتیاز مهم برای میز مذاکره، عملیات‌های خود را با هدف ورود به خاک عراق طراحی و اجرا نمودند. در همین راستا و پس از انجام چندین عملیات بزرگ و کوچک، درحالی که به نظر می‌رسید پیشروی در خاک عراق سخت و یا شاید ناممکن باشد، سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۴ برای انجام عملیات والفجر ۸ و با هدف بالا بردن ضریب موفقیت خود و غافل‌گیر کردن نیروهای عراقی، دو عملیات فریب در مناطق هورالعظیم و جزیره ام‌الرصاص انجام داد که در هر دو منطقه فریب، نیروهای تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> حضور داشتند. این نیروها به همراه دیگر یگان‌های شرکت‌کننده توانستند تمرکز آنان را از منطقه اصلی عملیات منحرف کنند و در موفقیت نیروهای خط‌شکن برای فتح فاو نقش مهمی داشته باشند. در این پژوهش به نقش تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> در این عملیات فریب به‌عنوان یکی از طرح‌های پشتیبانی از عملیات بزرگ والفجر ۸ پرداخته می‌شود. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است و پژوهش با کمک اسناد و مدارک آرشیوی، تاریخ شفاهی و منابع اصلی انجام شده است.

**کلیدواژه‌ها:** دفاع مقدس، عملیات والفجر ۸، تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>، شهر فاو، هورالعظیم، جزیره ام‌الرصاص.

## مقدمه

هشت سال دفاع مقدس حوادث پر فرازونشیب فراوانی را به خود دیده است که هر کدام از آنها دارای اهداف و زوایای مختلفی بوده که در این بین عملیات والفجر ۸ که در سال ۱۳۶۴ توسط سپاه انجام شد از نظر نظامی و سیاسی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. صدام که توانسته بود با حمایت‌های گسترده کشورهای غربی و شرقی در تأمین تجهیزات نظامی، اطلاعاتی و همچنین حمایت‌های مالی کشورهای عربی ارتش بعثی را در بالاترین حد از آمادگی رزم قرار دهد و حتی با تکیه به همین ابزار و پشتیبانی در اوایل جنگ موفق به اشغال هزاران کیلومتر از خاک کشور ایران شده بود و در رویاهای خود حتی الحاق خوزستان به عراق را برای استفاده از منابع سرشار این استان زرخیز و ارتقا و تقویت موقعیت عراق و حکومت بعث در خلیج فارس و منطقه را در سر می‌پروراند، شاید هرگز باور نداشت نیروهای ایرانی نه تنها حاضر نخواهند شد از یک وجب خاک کشورشان دست بکشند؛ بلکه حتی پس از باز پس‌گیری مناطق اشغال شده ایران، از مرزهای بین‌المللی عبور نموده و به یکباره با فتح منطقه فاو دسترسی عراق را به خلیج فارس قطع کنند، این موضوع علاوه بر آثار وحشتناک نظامی برای ارتش متجاوز حزب بعث، تبعات منفی بسیار سنگین سیاسی-اجتماعی هم برای حاکمان و رهبران حزب بعث در داخل عراق و همچنین در میان حامیان خارجی آنان به دنبال داشت.

این عملیات به قدری برای فرماندهان سپاه اهمیت داشت که برای بالا بردن ضریب موفقیت آن و استفاده از حداکثر میزان غافل‌گیری دشمن، نه تنها ریسک عبور از رودخانه خروشان اروندر را که ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ متر عرض داشت به جان خریدند، بلکه با تمامی کمبودهای انسانی و تجهیزاتی دو طرح فریب در مناطقی که برای عراق از حساسیت بیشتری برخوردار بود را طرح‌ریزی و اجرا نمودند، اولی طرح فریب در منطقه هورالعظیم و دومی در جزیره ام‌الرصاص.

لذا واکاوی عملیات والفجر ۸ برای پی بردن به این مسأله که چنین عملیات بزرگ و عظیمی چگونه و با استفاده از چه تاکتیک‌های نظامی رخ داده حائز اهمیت است آن هم در شرایطی که ارتش مدرن و مجهز عراق علاوه بر داشتن تمام امکانات و تجهیزات نظامی روز دنیا، حمایت و تبادل اطلاعاتی کشورهای حامی‌اش که عمدتاً از ابرقدرت‌های نظامی دنیا بودند و خیانت گروه‌های معاند و ضدانقلاب ایرانی به عنوان ستون پنجم عراق که در موضوع‌های جاسوسی و جمع‌آوری اخبار و اطلاعات داخلی به‌خصوص در زمینه‌های نظامی وزنه‌ای ارزشمند برای حزب بعث بودند؛ باز هم نیروهای ایرانی با تکیه بر اصل غافل‌گیری توانستند چنین حماسه شگرفی را رقم بزنند.

با توجه به جدید بودن موضوع تاکنون کار پژوهشی و تحقیقاتی درخصوص نقش تیپ ۱۰ سیدالشهداء در عملیات ام‌الرصاص و فتح فاو به صورت کامل، جامع و علمی انجام نشده است؛ البته تعدادی از رزمندگان این تیپ تلاش نموده‌اند ضمن نگارش خاطرات خود و هم‌رزمانشان برای تدوین این عملیات قدمی بردارند، برخی از افراد نیز به صورت بسیار مختصر و ضعیف به این موضوع پرداخته‌اند، از جمله پروژه پژوهشی معاونت دانش و پژوهش سپاه حضرت سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> با عنوان (بررسی ثبت تجربیات پایوران سپاه حضرت سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> در حمله ایزدایی به جزیره ام‌الرصاص طی عملیات والفجر ۸)؛ این پژوهش با نگاهی کلی به عملیات والفجر ۸ و استفاده از تحقیقات گذشته (صرفاً در عملیات والفجر ۸ و نه به صورت اختصاصی تیپ مستقل ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>) بدون هیچ‌گونه مصاحبه و نوآوری و حتی عدم ارجاع مطالب به منابع تدوین شده است.

درباره جنگ و خاصه عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) آثار ارزشمند فراوانی در قالب کتاب، مقاله و پژوهش تهیه و منتشر گردیده است که به صورت مستقیم موضوع این مقاله را در بر نمی‌گیرند، اما با توجه به پرداختن به موضوع‌های مرتبط با عملیات والفجر ۸ و حواشی آن سعی شده است به فراخور موضوع از اطلاعات و مطالب برخی از آنها در این مقاله استفاده شود.

در مورد عملیات والفجر ۸ می توان به این آثار اشاره کرد: ۱. خرمشهر تا فاو، محمد درودیان؛ ۲. تنبیه متجاوز، حسین اردستانی، ۳. نخستین گام به سوی فاو، حمید رضا فراهانی.

### تاکتیک‌های فریب در عملیات والفجر ۸

در سال ۱۳۶۴ با توجه به راهبرد نیروهای ایرانی در تنبیه متجاوز و گرفتن یک امتیاز مهم از عراق برای پایان دادن به جنگ پس از آزاد سازی خرمشهر، این راهبرد نه تنها به ثمر نشست بلکه با توجه به طولانی شدن جنگ و فرسایش توان مادی و معنوی کشور ایران و بیشتر شدن حمایت‌های کشورهای طرفدار عراق از ارتش صدام، اوضاع به سرعت در حال تغییر موازنه قدرت به سود عراق پیش می‌رفت. کشور عراق با حمایت دولت‌های غربی و عربی برای فشار حداکثری به ایران علاوه بر تقویت خطوط و نیروهای نظامی خود در مناطق مرزی، تهاجمات خود را از طریق حملات هوایی به سمت مناطق داخلی ایران شدت بخشیدند، بر اساس اسناد متقن، ارتش عراق تنها در سال ۱۳۶۴ بیش از ۷۹۰ بار مناطق ایران را با گستردگی ۷۶ شهر در ۲۰ استان کشور مورد تهاجم موشکی، توپخانه‌ای و یا حمله هوایی قرار داد که بر اثر این تهاجمات ۱۹۹۶ نفر شهید و بیش از ۵۱۳۰ نفر زخمی شدند (رشید، ۱۳۹۷: ۱۰۰). با توجه به موارد ذکر شده نیاز به انجام یک عملیات بزرگ و گسترده در عین حال دقیق و حساب شده برای خارج کردن ایران از این فضا و بازیابی روحیه نیروهای ایرانی به شدت احساس می‌شد اما عدم دستیابی به اهداف از قبل پیش‌بینی شده و بروز برخی مسائل و مشکلات در چند عملیات قبلی از جمله عملیات‌های بدر، کمیل و قادر که در مقطع زمانی اسفند ۱۳۶۳ تا تابستان ۱۳۶۴ صورت گرفته بود نشان داد که ادامه جنگ با وضعیت کنونی میسر نیست و ارتش و سپاه قادر نیستند همانند گذشته، به صورت مشترک عملیات انجام دهند (اردستانی، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

پس از عملیات بدر، در سطوح عالی جنگ پذیرفته شد که سپاه و ارتش ضمن پشتیبانی از یکدیگر هر کدام مستقلاً به طرح‌ریزی و اجرای عملیات پردازند، براین اساس، از اواخر

بهار سال ۱۳۶۴ برنامه‌ریزی برای یک عملیات گسترده آغاز گردید، محدوده این منطقه عملیاتی از مرز کوشک در جنوب اهواز تا شلمچه و از خسروآباد تا رأس البیشه بود، به این منظور، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء بنا بر پیشنهاد نیروی زمینی ارتش، انجام عملیات در منطقه کوشک تا شلمچه را به ارتش واگذار کرد (علایی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۴۴).

با توجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته توسط سپاه پاسداران و ارائه دلایل زیر اجرای عملیات در منطقه فاو به آنان سپرده شد: ۱. رودخانه اروند به عنوان یک مانع طبیعی کارکرد مهمی در پدافند ارتش عراق داشت که همین مسأله باعث شده بود عبور نیروهای نظامی ایران را غیرممکن تصور کنند، به همین دلیل، عبور از رودخانه اروند می‌توانست نیروهای عراقی را غافل گیر کند. ۲. ورود به خاک عراق و فتح شهر فاو و تأسیسات بندری آن می‌توانست جهت پایان دادن به جنگ و یا گرفتن امتیاز در مذاکرات اهرم فشار مهمی برای حزب بعث عراق باشد. ۳. حساسیت ژئوپلیتیک منطقه به شکلی بود که فتح فاو می‌توانست دستاوردهای مهمی همچون: تسلط بر اروند رود، قطع ارتباط عراق با آب‌های آزاد، تسلط بر شمال خلیج فارس و همسایگی با کشور کویت به عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان مالی صدام را داشته باشد. ۴. انهدام و یا تصرف سکوهای پرتاب موشک ساحل به دریا می‌توانست امنیت تردد کشتی‌ها به بندر امام خمینی را تأمین نماید. ۵. شرایط جغرافیایی مناسب منطقه، عارضه‌های مصنوعی مانند کارخانه نمک، محصور بودن منطقه از سه طرف به آب و باتلاقی بودن زمین منطقه به شکلی بود که نیروی زرهی ارتش عراق نمی‌توانست به راحتی در منطقه فاو عمل کنند که همین امر باعث می‌شد کار دفاع و پدافند در مقابل پاتک‌های سنگین نیروی زمینی و زرهی عراق به نسبت آسان‌تر باشد (ر.ک: درودیان، ۱۳۷۵).

به‌هرحال، عملیات والفجر ۸ با طراحی و فرماندهی سپاه و پشتیبانی بخشی از توپخانه نیروی زمینی، هوانیروز و پدافند هوایی ارتش طراحی شد (اطلس جنگ ایران و عراق، ۱۳۹۱: ۷۴). باید خاطر نشان کرد که برای موفقیت در عملیات‌های نظامی و تصرف زمین در صورتی که توازن نیروهای دو طرف تقریباً برابر و یا توان نیروی آفندی (حمله‌کننده) کمتر

باشد طراحی و فرماندهان باید برای گرفتن عکس‌العمل سریع و صحیح از دشمن، اصل غافل‌گیری را به‌عنوان یکی از اصول عملیات‌های نظامی مدنظر قرار دهند، این غافل‌گیری می‌توانست در مکان عملیات (در بند یک اشاره شد)، در زمان عملیات و یا در تاکتیک و شیوه‌های نبرد باشد، به‌همین دلیل و با توجه به موارد مذکور، فرماندهان سپاه علاوه بر انتخاب تاکتیک عبور از رودخانه برای غافل‌گیر نمودن دشمن در تاکتیک و انتخاب منطقه فاو به‌عنوان مکانی که دشمن به‌دلیل وجود رودخانه خروشان اروند، تصور انجام عملیات نیروهای ایرانی را در آن مکان نمی‌داد؛ لذا برای مشغول نمودن ارتش عراق در مناطق دیگر و برداشتن تمرکز از منطقه فاو به جهت غافل‌گیری و بالا بردن ضریب موفقیت عملیات اصلی دو طرح فریب را در نظر گرفتند.

### طرح فریب اول

فریب تاکتیکی، یک هنر نظامی است نه یک مهارت (والی، ۱۳۸۹: ۲۰) که همواره در طول تاریخ، فرماندهان و مردان جنگی از آن به بهترین شکل ممکن سود برده‌اند، حتی در کتیبه‌های لاتین به دست آمده به این موضوع در جنگ سفارش شده است که «به آنچه وجود ندارد تظاهر و آنچه وجود دارد را پنهان کنید» (والی، ۱۳۸۹: ۱۸۰). براین‌اساس، فرماندهان سپاه که پس از اجرای عملیات‌های خیبر و بدر در منطقه هورالهوریزه، نقاط ضعف و آسیب‌پذیری ارتش عراق را به خوبی درک کرده بودند با تکیه بر همین هنر تلاش کردند با تشکیل قرارگاهی به نام «قرارگاه فریب» به ارتش عراق وانمود کنند که عملیات بزرگ بعدی نیروهای ایرانی در این منطقه صورت خواهد پذیرفت. منطقه‌ای در حدود ۲۰۰ کیلومتر دورتر از منطقه عملیات اصلی برای فتح فاو، این عملیات فریب بیشتر بر فعالیت‌های مهندسی استوار بود. از این‌رو، اقدامات و رفتار یگان‌های عملیاتی به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که شواهد و قراین تک به دشمن نشان داده شود.

لشکرها و تیپ‌های سپاه تجهیزات نظامی و نیروهای رزمنده خود را در شرایطی علنی و استتار نشده به منطقه هور منتقل می‌کردند که به آنها گفته شده بود با ستون‌کشی‌های

ظاهری و مکرر به‌ویژه در چند روز پیش از آغاز عملیات والفجر ۸ تظاهر به اجرای تک‌کنند؛ همچنین خطوط اول مواضع خودی تقویت گردید و نیروهای اطلاعات عملیات به‌منظور دستگیری نیروهای نفوذی و اطلاعاتی دشمن در خطوط تماس مستقر شدند، توپخانه مخصوص هور نیز به منطقه هورالهیوزه منتقل و تجهیزات توپخانه ارتش در جفیر استقرار یافت، پایگاه موشکی پدافند هوایی هاوک نیز در منطقه عمومی هور مستقر شد که این اقدام به مفهوم آمادگی نیروهای ایران برای اجرای یک عملیات جدید بود. به علاوه، شناسایی مواضع دشمن و کسب اطلاعات از یگان‌های ارتش عراق مستقر در منطقه نیز در دستور کار قرار داشت (علایی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> در تک فریب هور، بخشی از نیروهای یگان دریایی فرات را تحت فرماندهی احمد شیرکوند مسئول محور تیپ در جزیره مجنون مستقر کرده بود (شیرکوند، مصاحبه، ۱۳۹۸). این نیروها با انجام مانورهای مختلف و تحرکات خود توجه نیروهای عراقی را به خود معطوف می‌کردند، البته با نزدیک شدن به زمان انجام عملیات در جزیره ام‌الرصاص به مرور از تعداد آنها در جزیره مجنون کاسته و در نهایت به استعداد (اصطلاحی نظامی برای میزان نفرات) یک گروهان رسید (عبدالوهاب، مصاحبه، ۱۳۹۹). علاوه بر این نیروها، تعدادی از نیروهای اطلاعات شناسایی تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> نیز در جزیره حضور داشتند، البته سابقه حضور نیروهای اطلاعات این تیپ در جزیره مجنون و منطقه هور به سال ۱۳۶۲ (چند ماه قبل از عملیات خیبر) برمی‌گشت، در آن زمان با واگذاری مأموریتی کاملاً سری، کار بررسی و شناسایی منطقه هور برای انجام عملیات خیبر به آنها واگذار شد (بهرامیان، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۳).

با مشخص شدن منطقه هور برای انجام عملیات فریب در سطح فرماندهان عالی سپاه مأموریت‌های بیشتری به این نیروها واگذار گردید که بر همین اساس نیروهای اطلاعات تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> با استعداد حدود ۲۰ نفر به سرپرستی ابوعمار با جدیت و تلاش بیشتری عهده‌دار این وظیفه سنگین و پر خطر شدند (سوهانی، مصاحبه، ۱۳۹۸). نیروهای اطلاعات با فعال نمودن تیم‌های چهار و پنج نفری کارهای اطلاعات شناسایی را بر حسب

مأموریت‌های محوله شروع نمودند تا با تأمین نیازمندی‌های اطلاعاتی فرماندهان و مسئولین بتوانند به تصمیم‌گیری درست آنها کمک نمایند و از سویی با حضور در منطقه حساسیت آن را برای ارتش عراق بالا ببرند.

در حین یکی از همین مأموریت‌های شناسایی در تاریخ ۱۳۶۴/۰۹/۳۰ یک تیم چهار نفره (جعفر حمدگو [شهید]، مرتضی صبوری [شهید]، ابراهیم فلاح و یحیی ابراهیمی) به فرماندهی جعفر حمدگو<sup>۱</sup> پس از طی مسافتی از میان معابر و نزارهای منطقه هور به وسیله بلم (نوعی قایق) دو نفر از اعضای تیم (جعفر حمدگو و ابراهیم فلاح) با استفاده از لباس غواصی وارد آب شده و خود را به نیروهای عراقی رسانده و با تقسیم کار، هر کدام در پی کسب اطلاعات و نیازمندی‌های مدنظر مشغول بررسی منطقه می‌شوند، ابراهیم فلاح برای بررسی وضعیت سنگر و تجهیزات دشمن با عبور از موانع عراقی، خود را به پشت خط اول نیروهای عراقی (پد یا دژ) می‌رساند؛ اما به دلیل بارندگی و وجود آب باران در سطح زمین که امکان تردد بی‌سر و صدا را غیر ممکن ساخته بود، به اجبار تصمیم به بازگشت می‌گیرد؛ در راه بازگشت حین عبور از سیم خاردار حلقوی به دلیل فراموش کردن اختفای قطب نمای غواصی در زیر آستین لباسش و انعکاس نور مهتاب در فسفری موجود روی بدنه قطب نما، نگهبان عراقی ایشان را می‌بیند و پس از تیراندازی او را به شدت زخمی می‌کند (اصابت پنج تیر به دست، شکم و پا)؛ (فلاح، مصاحبه، ۱۳۹۸) با دیدن این صحنه سه عضو دیگر تیم به تصور اینکه ابراهیم فلاح شهید شده است فوراً منطقه را ترک می‌کنند، اما بر خلاف تصور همراهان ابراهیم فلاح، مبنی بر شهادتش، ایشان پس از مجروحیت توسط نیروهای عراقی اسیر می‌شود؛ اسارت یک نیروی اطلاعاتی<sup>۲</sup> آن هم در منطقه‌ای که

۱. شهید جعفر حمدگو از نیروهای اطلاعات عملیات تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> که پس از سال‌ها مجاهدت و مبارزه و تحمل چندین مرحله مجروحیت از جمله قطع پا در مورخ ۱۳۶۵/۴/۳ حین مأموریت‌های عملیات کربلای ۱ به جمع رفقای شهیدش پیوست.

۲. البته پس از مشخص شدن اقدامات فریب در این منطقه، برخی گمانه زنی‌ها در خصوص طراحی عمدی مسئولین عملیات برای اسیر شدن نیروهای اطلاعاتی به خاطر حساس شدن بیشتر نیروهای



برای دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار است و تا قبل از آن دو عملیات بزرگ خیبر و بدر هم توسط نیروهای ایرانی در آن برگزار شده است خود بهترین نشانه و شواهد و قرائن است تا نیروهای عراقی از آن به عنوان سند برای مقدمه چینی انجام یک عملیات بزرگ دیگر از طرف نیروهای ایرانی محسوب کنند. با بالا رفتن حساسیت منطقه و سخت شدن کار برای نیروهای اطلاعات، حسین روشنی که از نیروهای با تجربه اطلاعات تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> بود و به دلیل چندین ماه کار شناسایی طی عملیات خیبر و اشراف به منطقه، مسئولیت همه امور اطلاعاتی در هور را بر عهده می‌گیرد.

از دیگر اقدامات مهم در این عملیات فریب، فرستادن فرماندهان یگان‌های خط‌شکن سپاه و همچنین برخی مسئولان اطلاعات عملیات قرارگاه‌های تاکتیکی به منطقه هور بود تا توجه عناصر جاسوسی دشمن به حضور آنها جلب شود. باید توجه داشت که یکی از راه‌های یافتن منطقه عملیاتی نیروهای ایرانی توسط ارتش عراق و منابع و مخبرین آنان کنترل نقاط تردد فرماندهان و مسئولین یگان‌های خط‌شکن و قرارگاهی بود. عمده عملیات فریب نیروهای ایرانی در هور بر اقدامات مهندسی متکی بود، براین اساس، حجم زیادی از دستگاه‌ها و ماشین‌آلات مهندسی مثل لودر، بولدوزر و کمپرسی برای احداث جاده‌های تدارکاتی و اجرای فعالیت‌های مهندسی به هور اعزام شد تا فضای ظاهری منطقه را برای عملیات آماده کند. علاوه بر اقدامات مهندسی و فعالیت‌های اطلاعاتی، از دیگر تدابیر مهم فرماندهان و طراحان عملیات استفاده از آتش توپخانه خودی بر روی مواضع نزدیک دشمن برای جلوگیری از نفوذ آنها و اجرای دقیق و مؤثر آتش با حجم بالا در عقبه ارتش بعثی بر روی قرارگاه‌ها، پارک‌های موتوری، انبارهای مهمات، پُست و دکل‌های دیدبانی با هدف جلوگیری از فعالیت توپخانه، اخلال در اقدامات مهندسی و گرفتن خسارت و تلفات از آنها بود که طی گزارش نوبه‌ای شماره ۲۷ قرارگاه نجف در یک دوره ۱۶ روزه،

---

عراقی به مناطق تک‌های فریب مطرح شد که این موضوع به شدت از طرف فرماندهان و مسئولان رد شده است (سوهانی، مصاحبه، ۱۳۹۸).

یعنی از تاریخ ۲۶ دی ماه تا ۱۲ بهمن بر اثر همین اجرای آتش‌ها، ارتش بعثی دچار خسارات و تلفاتی به شرح زیر گردید:

دو انبار مهمات در جزیره مجنون جنوبی به کلی منهدم و یک انبار مهمات کاتیوشا دچار خسارت شده؛

آسیب به سه سنگر اجتماعی و یک دکل دیدبانی؛

انهدام یک دستگاه تانک به همراه مهمات مربوطه در جنوب پل شهید باکری؛  
انهدام دو دستگاه کمپرسی و یک دستگاه بیل مکانیکی (آرشیو مرکز اسناد دفاع مقدس، سند شماره ۱۲۰۱۵).

این عملیات فریب آنقدر یگان‌های سپاه را درگیر ساخته بود که تا اواسط آذرماه ۱۳۶۴، یعنی حدود دو ماه پیش از آغاز عملیات والفجر ۸ همه فرماندهان لشکر و تیپ‌های سپاه تصور می‌کردند عملیات اصلی قرار است در هور انجام شود (علایی، ۱۳۹۵: ۱۶۱). حتی پس از انجام عملیات والفجر ۸ و فتح فاو تا چند روز اول، ارتش عراق تصور می‌کرد عملیات اصلی در منطقه هور و جزایر مجنون انجام خواهد شد و عملیات فاو یک عملیات فریب است. به همین دلیل، حملات هوایی عراق در روز ۲۶/۱۱/۱۳۶۴، یعنی پنج روز پس از عملیات همچنان بر منطقه هور و جزیره مجنون تمرکز داشت، از روز ششم به بعد بود که حملات هوایی عراق در منطقه فاو شدت گرفت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷: ۴۱۱-۴۱۳ و ۴۱۶).

### طرح فریب دوم (عملیات ایدایی ام‌الرصاص)

این تک در منطقه ابوالخصیب و جزیره ام‌الرصاص، جزیره‌ای در میان رودخانه اروند واقع در خاک عراق در روبروی گمرک خرمشهر طرح ریزی شد. فرماندهی کل سپاه با به کارگیری بخشی از توان یگان‌هایی که در مرحله اول عملیات والفجر ۸ برای آنها مأموریتی پیش‌بینی نشده بود، این عملیات را طراحی نمود که یگان‌های دشمن را در این منطقه درگیر نگه دارد و امکان اعزام فوری آنها به منطقه اصلی عملیات در جبهه فاو را از

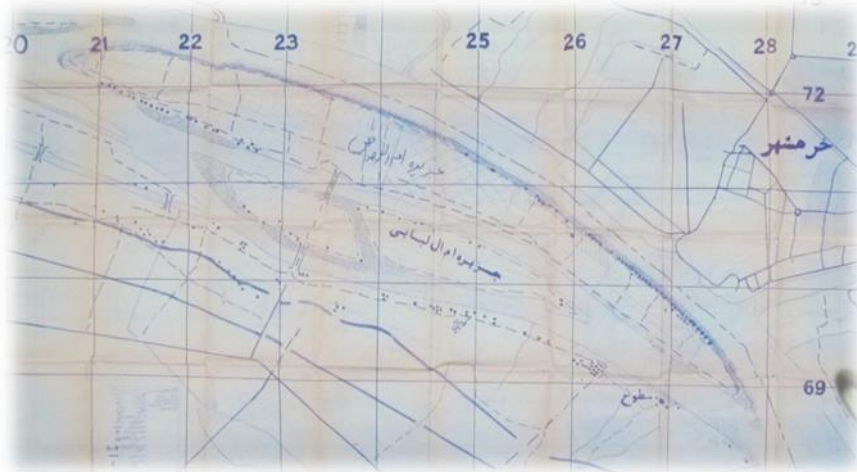
بین ببرد. البته بر اساس طرح‌های قرارگاه قدس (قرارگاه مسئول انجام عملیات ام‌الرصاص) قرار بود در صورتی که در این محور موفقیتی حاصل شود ادامه عملیات با قوت و قدرت ادامه یابد و نیروها بعد از تصرف جزیره ام‌الرصاص به سمت جزایر ام‌البابی بروند (سوهانی، مصاحبه، ۱۳۹۸). این تلاش با شرکت ۳۰ گردان (از تیپ‌های ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>) تهران، ۲۱ امام رضا<sup>(ع)</sup> مشهد و ۱۸ الغدیر یزد) با حد بندی و واگذاری محورها شروع گردید، پس از حد بندی و مشخص شدن محدوده جغرافیایی هر یگان، کارهای اولیه مانند بررسی و شناسایی جو، زمین و دشمن با رعایت کامل اصول حفاظتی و با وجود مشکلات، سختی‌ها و کمبودهای فراوان آغاز شد (فضلی، مصاحبه، ۱۳۹۵: ۸).

#### وضعیت انجام اقدامات اطلاعات - شناسایی در ام الرصاص

عملیات والفجر ۸ صحنه بروز قابلیت‌های نظامی، ابتکار عمل و خطر پذیری نیروهای سپاه برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی بود، در طراحی این عملیات مسائل مهمی وجود داشت که کارشناسان و فرماندهان ساعت‌ها در موردشان بحث کرده بودند تا ضریب موفقیت عملیات بالاتر برود، مواردی همچون:

- بررسی وضعیت جزرومد رودخانه اروند در زمان‌های مختلف و در نوبت‌های متعدد و تأثیر آن بر حرکت غواص‌ها و تعیین بهترین ساعت حرکت غواص‌ها برای استفاده بهینه از این جریان؛
- سرمای آب در فصل زمستان و تاریکی هوا در نیمه‌های شب (ساعت شروع عملیات) و چگونگی حرکت غواص‌ها در این شرایط؛
- بررسی چگونگی حرکت نیروهای خط‌شکن غواص، سرپل گیری، پاک سازی خط اول و آماده سازی ساحل برای ورود نیروهای موج دوم؛
- بررسی چگونه هماهنگ کردن حرکت نیروهای موج دوم (با قایق) با استفاده حداکثری از جریان جزرومد و پر بودن آب نهرهای حاشیه اروند برای حرکت قایق‌ها؛

- بررسی محل حرکت در ساحل خودی و چگونه پیاده شدن نیروهای موج دوم در ساحل دشمن و چگونگی توسعه سرپل‌ها؛
  - تصرف نقاط مهم و استراتژیک در ساحل دشمن و جزیره ام الرصاص؛
  - تأمین جناح‌های عملیات، تشکیل خط پدافندی و آمادگی برای مقابله با پاتک‌های عراق؛
  - چگونگی حفظ ارتباط با ساحل خودی و عقب نشینی در موقع نیاز.
- پس از واگذاری مأموریت بررسی و شناسایی منطقه ام الرصاص به واحد اطلاعات عملیات تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>، نیروهای این واحد برای انجام هر چه بهتر وظیفه خود و بالا بردن ضریب موفقیت عملیات اقدامات زیر را انجام دادند:
- تهیه شناسنامه، کالک و نقشه از عوارض، نهر، جاده و مناطق مسکونی خودی؛
  - دیده‌بانی مستمر از فعالیت‌های دشمن؛
  - شناسایی منطقه دشمن و تهیه کالک و نقشه آن با عوارض طبیعی و مصنوعی؛
  - کنترل مداوم جریان جزر و مد آب رودخانه اروند و فعالیت‌های دریایی دشمن؛
  - شناسایی دژهای دفاعی دشمن شامل میادین مین، سیم خاردار، فوگاز، هشت-پر و همکاری با نیروهای تخریب برای بازگشایی معبر و یا دور زدن این مناطق برای عبور نیروها در شب عملیات؛
  - بررسی و شناسایی وضعیت نیروهای دشمن شامل (استعداد، ترکیب، لجستیک، پراکندگی، تجهیزات و...)
  - شناسایی عوارض طبیعی و مصنوعی مناسب برای جان‌پناه نیروهای موج اول و دوم خط‌شکن در مقابل پاتک‌های دشمن (سوهانی، مصاحبه، ۱۳۹۸).



نمونه کالک تهیه شده از جزیره ام الرصاص توسط نیروهای اطلاعات تیپ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>

با هدایت شورای فرماندهی اطلاعات که متشکل از سه فرمانده با تجربه بود و همچنین تجربه و پختگی نیروهای اطلاعات عملیات تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> که نتیجه چند سال کار میدانی به خصوص شناسایی دو عملیات بزرگ خیبر و بدر بود تیم و گروه‌های اطلاعات شناسایی کار بررسی رودخانه اروند و جزیره ام الرصاص را آغاز نمودند. با توجه به اهمیت عملیات و حساس بودن منطقه کارهای شناسایی حدود شش ماه به طول انجامید؛ طی این مدت برای شناسایی و درک حالت‌های مختلف جریان آب اروندرود قسمت‌های مختلف رودخانه در زمان و ساعت‌های مختلف به صورت مداوم و دقیق بررسی و جداول مورد نیاز از جریان جزرومد در زمان و نقاط مختلف تهیه و با تسلطی که در این زمینه به دست آمد برنامه‌ریزی و زمان‌بندی عبور غواصان خط‌شکن و نیروهای موج دوم که با قایق باید به جزیره می‌آمدند میسر گردید (زعیم‌زاده، مصاحبه، ۱۳۹۸).

#### وضعیت آموزش نیروهای تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>

با توجه به اینکه تعداد قابل توجهی از نیروهای تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> از داوطلبان بسیجی بودند و بسیاری از این نیروها صرفاً آموزش‌هایی در سطح مسجد و پایگاه بسیج یا در

بهترین شرایط گذراندن آموزش فشرده دو یا سه هفته‌ای قبل از اعزام دیده بودند که با توجه به در پیش بودن یک عملیات آبی-خاکی با مؤلفه‌های عبور از رودخانه و انجام مانور در جزیره محدود ام‌الرصاص آن هم در خاک دشمن اهمیت کارهای آموزشی را چند برابر می‌کرد، از این رو، برنامه جامع و کامل آموزشی این نیروها پس از مشخص شدن گردان‌هایشان به دستور فرمانده تیپ به معاونت آموزش تیپ ابلاغ گردید (آرین، مصاحبه، ۱۳۹۹).

با توجه به ماهیت آبی-خاکی عملیات مقرر شد که یگان دریایی فرات به‌عنوان یکی از رده‌های تیپ ۱۰ سیدالشهداء که به فرماندهی عبدالوهاب امیر برای شرکت در عملیات بدر شکل گرفته بود، کارهای پشتیبانی عملیات‌های آبی-خاکی نیروهای تیپ را برعهده بگیرد. بر همین اساس، اولین مکان آموزشی نیروها قرارگاه فرات جایی در نزدیکی دزفول (پایین سد دز، سد تنظیمی) بود که اکثر نیروها در آنجا حضور داشتند، اما بجز این مکان مناطق دیگری نیز انتخاب گردید که به صورت اختصاصی برای هر کدام از رده‌ها در نظر گرفته شده بود (عبدالوهاب، مصاحبه، ۱۳۹۹).

با تعیین گردان قمرینی هاشم به فرماندهی نصرالله سعیدی به‌عنوان گردان خط‌شکن و تفکیک گروهان‌های والعدایات به فرماندهی معز خادم حسینی از این گردان، گروهان‌های والعدایات به‌عنوان گروهان مستقل غواص تشکیل و به سرعت اقدامات اولیه برای آموزش این نیروها ابتدا در اردوگاه فرات واقع در سد تنظیمی دزفول انجام گردید، اما از مهم‌ترین مشکلات پیش رو برای آموزش غواصی نیروها، کمبود شدید امکانات و تجهیزات غواصی بود، برای نمونه، یک گروهان ۱۲۰ نفره برای آموزش‌های غواصی فقط هفت دست لباس غواصی در اختیار داشتند و مسئولین مجبور بودند با همان هفت دست لباس موجود، آموزش نیروها را شروع و یک گروهان غواص خط‌شکن را تا روز عملیات آماده کنند. به مرور زمان و به صورت تدریجی و مرحله به مرحله لباس و دیگر تجهیزات غواصی به گروهان در حال آموزش اضافه شد و نیروها با جدیت بیشتری آموزش‌ها را دنبال نمودند (سعیدی، مصاحبه، ۱۳۹۸).

با مجهز شدن نیروهای گروهان به تجهیزات غواصی و کسب آمادگی‌های اولیه در غواصی این نیروها برای رسیدن به حداکثر آمادگی و آشنایی به شرایط و ویژگی‌های منطقه عملیات به یکی از روستاهای نزدیک سد دز به نام ام‌نوشه منتقل شدند، دو گروهان دیگر گردان قمرینی هاشم که طبق برنامه باید بلافاصله پس از شکستن خط با قایق خود را به جزیره می‌رسانند از مدت‌ها قبل در این مکان در حال آموزش‌های آبی-خاکی بودند. دیگر گردان‌های رزمی تیپ به دلیل اینکه در موج‌های دوم و سوم عملیات و پس از نیروهای گروهان خط‌شکن غواص به وسیله قایق وارد عمل می‌شدند ضرورتی برای گذراندن دوره‌های تخصصی غواصی نداشتند اما با توجه به شرایط منطقه نیاز بود دوره‌های آبی-خاکی را بگذرانند که هم با شرایط آشنا شوند و هم از نظر جسمانی و روحی-روانی آمادگی‌های لازم را به دست بیاورند. بنابراین همه نیروهایی که طبق برنامه قرار بود در عملیات حضور یابند به فراخور مأموریت‌هایی که برایشان تعریف شده بود آموزش‌های خود را دنبال می‌کردند. به‌طورمثال، گردان المهدی به فرماندهی محمدحسن حسینیان در سد دز علاوه بر آموزش شنا حرکت در آب را با لباس و تجهیزات معمولی (بدون لباس غواصی) تمرین می‌کردند و پس از این مرحله در سواحل کارون و بهمن شیر تمرین در مناطق باتلاقی و نیزار را دنبال می‌کردند (کوثری، مصاحبه، ۱۳۹۸).

نیروهای گردان زهیر نیز پس از انجام برخی آموزش‌های عمومی در اردوگاه کوثر، برای انجام تمرینات تخصصی و آبی-خاکی حدود یک ماه در روستای ام‌نوشه حضور یافتند (عاطفی، مصاحبه، ۱۳۹۸). گردان حضرت علی اکبر<sup>(ع)</sup> هم از گردان‌هایی بود که در موج دوم و با قایق باید نیروهایش را وارد عملیات می‌کرد، این گردان هم آموزش‌های مخصوص آبی-خاکی را در ام‌نوشه می‌گذراند (خدابین، مصاحبه، ۱۳۹۹).

از دیگر ارکان مهم در موضوعات نظامی برای انجام هر عملیات و مأموریت برای فرماندهان بحث ارتباطات و هدایت نیروهاست که در دوران دفاع مقدس این وظیفه بر عهده واحدهای مخابرات بود، مأموریت‌های مخابرات به صورت کلی به دو بخش مخابرات و جنگ الکترونیک (جنگال) تقسیم می‌شد. در بحث مخابرات ارتباطات به دو

صورت بی سیم (از طریق امواج رادیویی و فرکانس) و با سیم (از طریق سیم و کابل) بود، که با توجه به شنود دشمن از طریق سیم کشی بین رده‌ها و یگان‌ها از طریق تلفن که در آن مقطع اکثراً تلفن معروف به قورباغه‌ای بود امکان پذیر می‌شد. در بحث بی سیم هم با توجه به فاصله و یا مأموریت انواع بی سیم‌های دستی، خودرویی، برد بلند و برد کوتاه وجود داشت که امری عادی و طبیعی بود. البته کار نیروهای مخابرات تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> فقط به این موارد ختم نمی‌شد، بلکه در زمان برگزاری عملیات والفجر ۸ در جمع بچه‌های مخابرات تیپ دو، نیروی عرب زبان حضور داشتند که مسئولیت شنود شبکه بی سیم دشمن را عهده‌دار بودند و تحرکات ارتش بعثی و موارد مهم دیگر را که از طریق شنود احصا می‌شد در اختیار فرمانده و مسئولین مربوطه قرار می‌دادند. در کنار این اقدامات، نیروهای مخابرات چه در خرمشهر و چه در فاو اقدام به فریب دشمن و عملیات روانی با استفاده از مکالمه‌های زیاد مبنی بر حضور نیروهای تازه نفس، تجهیزات جدید، آمادگی نیروها و ... می‌کردند؛ در بحث اختلال الکترونیک یا همان جنگال هم مخابرات قرارگاه و یگان‌های بالاتر فعالیت داشتند (صفرزاده، مصاحبه، ۱۳۹۹).

از دیگر اقداماتی که قبل از عملیات ام‌الرصاص به تدبیر فرمانده تیپ انجام شد، ایجاد گروهان ضد زره حبیب‌ابن مظاهر به فرماندهی کریم آخوندی (شهید) برای مقابله با نیروی زرهی ارتش عراق در جزیره مزبور بود. نیروهای این گروهان غالباً از افراد با تجربه و آموزش دیده انتخاب شده بودند که در مأموریت و یا عملیات‌های قبلی آموزش‌های تخصصی خود را گذرانده اما برای بالا بردن آمادگی بیشتر، تمرکزشان را بر روی حفظ آمادگی بدنی معطوف کرده بودند (صبا، مصاحبه، ۱۳۹۹).

### عملیات ام‌الرصاص

به هر حال پس از چند ماه کارهای سخت و نفس‌گیر در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ از حدود ساعت ۱۹ زمانی که آب اروندرود در جزر کامل بود و مشکل‌ترین و سخت‌ترین حالت برای عبور نیروهای غواص بود به اجبار و فقط برای هم‌زمانی و هماهنگی با عبور نیروهای



غواص محور اصلی عملیات (فاو) که در آن منطقه در شرایط شرایط مد کامل (بهترین حالت عبور غواص‌ها) بود نیروهای غواص گردان والعدایات آرام آرام به رودخانه زدند هنوز به میانه‌های رودخانه نرسیده بودند که بارش باران و رعد و برق همه عملیات را تحت‌الشعاع قرار داد. وضعیت جوی منطقه باعث شد از ۱۲۰ نیروی غواص تنها نیمی از آنها خود را به جزیره برسانند این نیروها در محل‌های از قبل پیش‌بینی شده که از دید و تیر نیروهای عراقی پنهان بود مستقر شدند؛ با فرارسیدن ساعت عملیات با رمز «یا زهرا (س)» به صورت هماهنگ با منطقه فاو عملیات را آغاز نمودند.

نیروهای خط‌شکن تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> در قالب غواصان واحد اطلاعات عملیات، نیروهای تخریب و گروهان غواص والعدایات وارد عمل شدند و توانستند در دقایق اولیه پس از عبور از عرض رودخانه اروند خود را به ساحل عراق رسانده و با ایجاد چهار معبر که از قبل پیش‌بینی شده بود از میان انواع موانع که از داخل آب ساحل شروع می‌شد و شامل انواع خورشیدی، سیم‌های خاردار هشت پر، میادین مین، بشکه‌های فوگاز بود توانستند با استفاده از غافل‌گیری کامل نیروهای عراقی به خط اول عراق رسیده و آن را تصرف کنند. نیروهای خط‌شکن پس از موفقیت در تسخیر خط اول در ساعت ۲۳ با علامت چراغ قوه به ساحل خودی، شرایط منطقه را برای حرکت موج دوم نیروها ایده‌آل اعلام کردند.

نیروهای یگان دریایی فرات در قالب چهار گروهان، وظیفه نقل و انتقال نیرو و تجهیزات به جزیره را بر عهده داشتند که با دریافت علامت نور چراغ قوه، این مأموریت آغاز شد (عبدالوهاب، مصاحبه، ۱۳۹۹). موج دوم نیروهای تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> که به جزیره ام-الرصاص اعزام شدند، شامل دو گروهان باقی مانده گردان قمربنی‌هاشم به فرماندهی نصرالله سعیدی به‌عنوان تأمین نیروهای خط‌شکن برای گسترش خطوط درگیری و پاک‌سازی جهت ورود نیروی دیگر گردان‌ها بودند، هم‌زمان با این دو گروهان، گردان‌های دیگری به شرح زیر وارد جزیره شدند:

- گردان حضرت علی اصغر<sup>(ع)</sup> به فرماندهی حسین اسکندرلو در جناح چپ که پس از ورود به جزیره از طریق معبر از قبل پیش بینی شده بود.

- گردان المهدی<sup>(ع)</sup> به فرماندهی محمد حسن حسینیان، نیز از جناح سمت راست گردان قمر بنی هاشم وارد جزیره شدند. در ادامه دسته یک گروهان ایثار گردان المهدی<sup>(عج)</sup> با رسیدن به مقر تیپ نیروهای مخصوص مستقر در جزیره درگیری را ادامه دادند (کوثری، مصاحبه، ۱۳۹۸).

- گردان حضرت علی اکبر<sup>(ع)</sup> که فرمانده اش ابوذر خداین چند ساعت قبل از شروع عملیات بر اثر انفجار راکت کاتیوشا دچار مجروحیت (موج گرفتگی) شده بود و عملاً حمید تقی زاده معاون گردان به عنوان سرپرست و عباس رنجی به عنوان معاون ایشان کار هدایت گردان را در عملیات بر عهده داشتند. طبق برنامه قرار بود با استفاده از موفقیت نیروهای خط شکن که از قبل وارد جزیره شده بودند به سمت شمال جزیره پیشروی و با پاک سازی سنگرهای دشمن در آن محدوده کار فتح جزیره را سرعت ببخشد (خداین، مصاحبه، ۱۳۹۹). این گردان با کمک قایق های یگان دریایی فرات به سمت جزیره حرکت و در شمال ام الرصاص با نیروهای عراقی درگیر شدند (تقی زاده، مصاحبه، ۱۳۹۹).

در ادامه عملیات نیز برخی از فرماندهان و نیروهای دیگر تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> از جمله گردان حضرت قاسم به فرماندهی حسن امیری برای گسترش عملیات و گرفتن سر پل های مستحکم وارد جزیره شدند و در همان ساعت های اولیه با شدت گرفتن درگیری ها در جزیره ام الرصاص نیروهای گروهان مستقل ضد زره حیب ابن مظاهر به فرماندهی کریم آخوندی خود را به جزیره رساندند، با روشن شدن هوا، تانک ها از سمت جزیره ام البابی به سمت جزیره ام الرصاص حرکت کردند اما به علت تخریب پل مابین دو جزیره نتوانستند از ام البابی وارد ام الرصاص شوند و از همان جا جزیره ام الرصاص را زیر آتش مستقیم خود گرفتند، زمانی که فرماندهان عراقی از حضور تانک ها در جزیره ام الرصاص مأیوس شدند نیروهای پیاده و کماندو خود را وارد جزیره نمودند، نیروهای گردان حیب ابن مظاهر که در این زمان در نزدیک ترین نقطه به ارتش بعث حضور داشتند با رشادت تمام در مقابل

پاتک سنگین آنها ایستادند و در این راه بسیاری از آنان شهید و زخمی شدند. از جمله فرمانده آن گردان کریم آخوندی که به دلیل حجم آتش شدید منطقه پیکر پاکش سال‌ها در همان محل باقی ماند (صبا، مصاحبه، ۱۳۹۹).

فشار یگان‌های عمل‌کننده در جزیره ام‌الرصاص و میزان غافل‌گیری نیروهای عراقی به حدی بود که حدود ۸۰ درصد جزیره به تصرف نیروهای ایرانی در آمد. این پیشروی سریع نیروها باعث گردید تا دشمن با احساس خطر جدی برای شهر بصره یگان‌های خود را از شهر فاو به منطقه عمومی بصره منتقل کند و به خیال اینکه فلش اصلی عملیات شهر بصره است فشار خود را بر نیروهای ایرانی درگیر در منطقه ام‌الرصاص افزایش دهد. پاتک‌های ارتش عراق و تأمین نیرو از طریق جزایر ام‌البابی شرقی و غربی و حجم آتش سنگین باعث توقف پیشروی نیروهای ایرانی شد. با آغاز این درگیری فرماندهی ارتش عراق سرلشکر شوکت احمد عطا را که فرمانده سپاه هفتم عراق بود از سمتش برکنار و سپهبد طمع الجبوری، معاون رئیس ستاد ارتش عراق را به جای او منصوب کرد. ارتش عراق که تصور می‌کرد محور اصلی عملیات از این منطقه است مأموریت باز پس‌گیری جزیره ام‌الرصاص را به سپهبد حشام الفخری سپرد. او با به‌کارگیری نیروهای ویژه تحت فرماندهی سرلشکر بارق عبدالله توانست فشارهای زیادی را در جزیره به نیروهای ایرانی وارد سازد (علایی، ۱۳۹۵: ۱۶۳). با این فشارها و عدم دستیابی به مواضع مستحکم پدافندی و پشتیبانی آتش مناسب و راه ارتباطی خشکی با عقبه، محدودیت مساحت جزیره، احتمال بالا رفتن تلفات در جزیره و از همه مهم‌تر موفقیت نیروهای ایرانی در محور عملیات اصلی فاو به دستور فرماندهان قرارگاه و ستاد فرماندهی عملیات، نیروهای تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> از بعدازظهر روز ۱۳۶۴/۱۰/۲۱ با هدایت یدالله کلهر جانشین تیپ که خود شخصاً در جزیره حضور داشت به مرور کار تخلیه نیروها آغاز و در شب دوم همه نیروهای تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> با تخلیه مجروحین و شهدا از جزیره ام‌الرصاص عقب‌نشینی نمودند. این عملیات فریب در مجموع دو شب و یک روز به طول انجامید اما دستاورد مهم آن برداشتن تمرکز نیروهای عراقی از منطقه فاو، عدم اعزام نیروهای احتیاط و پشتیبانی‌کننده مستقر در منطقه بصره به

دلیل ترس از تهدید این شهر و در نهایت موفقیت نیروهای ایرانی در تصرف اهداف اولیه که به بهترین شکل ممکن انجام گردید.

### نتیجه‌گیری

شاید برای موفقیت نیروهای ایرانی در عملیات والفجر ۸ که دستاوردهای سیاسی- نظامی بسیاری برای کشور ایران به همراه داشت بتوانیم دلایل مختلف و متعددی را برشماریم، اما طبق تحلیل و نظریه اکثر کارشناسان نظامی و مطالعه این عملیات پس از گذشت بیش از سه دهه، هم اکنون با اطمینان خاطر و بر اساس اسناد و مستندات مهم‌ترین عامل موفقیت این عملیات را می‌توان غافل‌گیر شدن ارتش عراق عنوان کرد.

این غافل‌گیری در اصل غافل‌گیری در زمان، مکان و تاکتیک بود که در عملیات فاو ارتش عراق در هر سه زمینه غافل‌گیر شد؛ یعنی فرماندهان و افسران ارتش مجهز بعثی با وجود پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیکی کشورهای غربی و عربی و حتی خیانت بسیاری از معاندین داخلی از جمله نیروهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از پیش‌بینی درست زمان، مکان و نحوه انجام عملیات والفجر ۸ ناتوان ماندند و نتوانستند به درستی از منطقه فاو در برابر حمله نیروهای ایرانی دفاع کنند؛ بدون شک در کنار رعایت موارد حفاظتی نقش عملیات‌های فریب و ایزدایی باعث شد تا تمرکز قوای حزب بعث از منطقه اصلی عملیات برداشته شود که همین موضوع نه تنها در غافل‌گیر شدن ارتش عراق در فاو نقش بسزایی داشت بلکه حتی به خاطر درگیر شدن نیروهای ارتش بعثی در مکان‌های دیگر، عراق طی ۴۸ ساعت اولیه عملیات از تشخیص منطقه اصلی عملیات عاجز مانده بود که با توجه به تهدید نقاط دیگر مرزی و اهمیت شهر بصره به خاطر تحرکات نیروهای ایرانی در منطقه هور و جزیره‌ام‌الرصاص که نیروهای تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup> در هر دو منطقه حضور داشتند امکان اعزام گسترده نیرو و تجهیزات به فاو برایش مقدور نبود.

نیروهای ایرانی با استفاده از همین فرصت نه تنها شهر فاو را در کمترین زمان فتح کردند بلکه با استقرار در خطوط دفاعی مستحکم و مطمئن توانستند در مقابل سخت‌ترین

پاتک‌های ارتش عراق مقاومت نمایند تا در نهایت ارتش و حکومت عراق پس از ۷۵ روز نبرد سنگین و حتی پس از استفاده از حجم سنگین سلاح‌های نامتعارف شیمیایی مجبور به قبول این واقعیت شوند که فاو در تصرف نیروهای ایرانی است.

### منابع

- آرشیو مرکز اسناد دفاع مقدس، سند شماره ۱۲۰۱۵.
- آرین، محمدرضا. (مصاحبه اردیبهشت ۱۳۹۹) مسئول آموزش تیپ ده سیدالشهداء (ع).
- اردستانی، حسین. (۱۳۹۵) تجزیه تحلیل جنگ ایران و عراق ۳ (تنبیه متجاوز)، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- اطلس جنگ ایران و عراق. (۱۳۹۱) تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ سوم.
- امیر، عبدالوهاب. (مصاحبه فروردین ۱۳۹۹) فرمانده یگان دریایی فرات.
- بهرامیان، صادق. (۱۳۹۶) خاک کی تر از خاک (فانوس‌های معابر)، تهران: انتشارات نیروی زمینی سپاه.
- تقی‌زاده، حمید. (مصاحبه فروردین ۱۳۹۹) سرپرست گردان علی اکبر (ع)، عملیات جزیره ام الرصاص.
- خداین، ابوذر. (مصاحبه اردیبهشت ۱۳۹۹) فرمانده گردان حضرت علی اکبر (ع).
- درودیان، محمد. (۱۳۷۵) خرمشهر تا فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم.
- رشید، محسن. (۱۳۹۷) اطلس آماری جنگ شهرها، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- زعیم‌زاده، محسن. (مصاحبه بهمن ۱۳۹۸) مسئول وقت اطلاعات تیپ سیدالشهداء (ع).
- سعیدی، نصرالله. (مصاحبه آبان ۱۳۹۸) فرمانده گردان قمر بنی هاشم (ع).
- سوهانی، محسن. (مصاحبه بهمن ۱۳۹۸) مسئول وقت اطلاعات عملیات تیپ سیدالشهداء (ع).
- شیرکوند، احمد. (مصاحبه اسفند ۱۳۹۸) فرمانده محور تیپ ۱۰ سیدالشهداء (ع) جزیره مجنون.
- صبا، احمد. (مصاحبه اردیبهشت ۱۳۹۹) جانشین گروهان ضد زره حیب‌ابن مظاهر.

- صفرزاده، رضا. (مصاحبه اردیبهشت ۱۳۹۹) مسئول مخابرات تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>.
- عاطفی، اکبر. (مصاحبه بهمن ۱۳۹۸) فرمانده گردان زهیر تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>.
- علایی، حسین. (۱۳۹۱) *روند جنگ ایران و عراق*، تهران: نشر مرز و بوم.
- ----- (۱۳۹۵) *تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق*، تهران: نشر مرز و بوم.
- فراهانی، حمیدرضا. (۱۳۹۳) *نخستین گام به سوی قاف*، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- فضلی، علی. (مصاحبه ۱۳۹۵) فرمانده تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>، (با مستند سازان تاریخ شفاهی اطلاعات لشکر ۱۰).
- فلاح، ابراهیم. (مصاحبه آبان ۱۳۹۸) آزاده، تیپ ۱۰ سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>.
- کوثری، علیرضا. (مصاحبه بهمن ۱۳۹۸) فرمانده گروهان ایثار گردان المهدی، عملیات ام الرصاص.
- والی، بارتون (۱۳۸۹) *فریب و غافل‌گیری در جنگ*، ترجمه داود رضانی تکمیلی، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهد صیاد شیرازی (ارتش جمهوری اسلامی ایران).
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۷) *امید و دل‌وایسی (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۴)*، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.